

**آیا تروریسم، اسلام افراطي ، قتل و ویرانگری باهم برادر نیستند؟؟؟**  
 حرف های ناگفته پیرامون یکی از طولانی ترین جنگهای تاریخ و نقش افراطیون بنیادگرا درین جنگ خانمانسوز. « بخشی از کارنامه افراطیون اسلامی زیر نام دین ، جهاد و مقاومت، کتاب تاریخ خونین افغانستان» - 1- (استاد صباح)



هر زمان شیشه ی مابشکند از سنگ دیگر  
 هر زمان میهن ما درگرو جنگ دیگر  
 هر زمان کشور ما طعمه ی نیرنگ کسی  
 هر زمان مردم ما در تلک «لنگ» دیگر  
 دین چو کالاست به بازار سیاست ، اینجا  
 گاه یکی جنگ زند گاه دیگری جنگ دیگر  
 این چه وحشت ، این چه نیرنگ و جفا  
 که همه عمر برقصند و به آهنگ دیگر  
 هیچ کس نیست که از بهر وطن کار کند  
 همه در تاریخ کشور شده اند ننگ دیگر  
 زپی قدرت و ثروت همه سرگردانند  
 روزیک رنگ دیگرند و فردا رنگ دیگر  
 به سخن گفتن بیهوده همه استاد اند  
 صبح یک انگ زند و چاشتها انگ دیگر  
 پیرو مرشد همگی پیرو شهوت شده اند  
 همه چسپیده به شوخ دیگر و شنگ دیگر.  
 تا که این مردم بیکاره به قدرت باشند  
 گاه یک زنگ خطر خیزد و گاه زنگ دیگر..  
 میدهند بیگانه گان رنگ رنگ سلاحی نو  
 بهری جنگ افروزان هر روز تفنگ دیگر  
 تا به کی شیشه ی ما بشکند از سنگ کسی؟؟  
 تا به کی مردم ما طعمه ی نیرنگ دیگر؟؟.

ترور و بنیادگرایی در ادبیات سیاسی و روابط بین الملل به کاربرد سیستماتیک ارعاب و خشونت پیش بینی  
 ناپذیر بر ضد حکومتها ، سازمانها و ملتها برای دستیابی به اهداف سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی اطلاق

می شود. گرچه می توان پیشینه تروریسم را به دوران جنگ سرد و رقابت میان دوا بر قدرت شرق و غرب برای ضربه زدن به دیگری نسبت داد ؛ اما آنچه اکنون از آن به عنوان تروریسم یاد می شود با تروریسم دوران جنگ سرد کاملاً متفاوت است چه آنکه تروریسم در آن دوران عملیاتی پراکنده ، محدود و نسبتاً مشخص بوده که بیشتر جنبه داخلی داشته و به طور عمده متوجه رهبران و دیپلمات ها می شده و به عنوان بخشی از روابط بین الملل مورد حمایت یکی از دو قطب بوده است.

واژه تروریسم به لحاظ معنایی مناقشه برانگیز است و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده و هیچ یک از تعاریف این واژه به لحاظ جهانی پذیرفته نشده است. فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد تروریسم را خط مشی که هدف آن حمله از طریق ایجاد وحشت در مخالفان، به کارگیری روش های تهدید و حاکم کردن ارباب یا وضعیت وحشت آفرین می باشد، تعریف کرده است. تروریسم واژه ای است که بسیار سخت معنا می پذیرد و به مدلول عینی و مشخصی ارجاع نمی دهد و برای توصیف خشونت مورد کاربرد دشمن به مثابه ای امری غیر اخلاقی و شیطانی به کار می رود. هیچ گروهی تاکنون خود را تروریست نخوانده است. چه در زمانی که گروه های اسلامی افراطی تحت نام جهاد و بعدها مقاومت همه روزه مصروف تخریب و سوزاندن موسسات عام المنفعه از قبیل ادارات دولتی ، دفاتر سازمانهای کمک رسانی ، مکاتب ، شفاخانه ها ، ویرانی پل و پلچک ها و نهادهای جامعه مدنی و ترور و انفجارهای ویرانگر بودند و بعدها بنام مقاومت اکثریت پل و پلچکها و راه های عبور و مرور مردم مابین گذاری و تخریب گردید ، خصوصاً پس از این که ایالات متحده جنگ بر ضد ترور خود را در واکنش به حملات یازده سپتامبر دوهزار و یک میلادی به راه انداخت، کاربرد این واژه از گستره ای وسیع تر برخوردار شد. تعاریف ارائه شده از واژه تروریسم در برگزیده ای برخی معیارهای مشترک هستند که عبارتند از:

- ترور اقدامی خشونت آمیز است؛
- انگیزه اقدام تروریستی سیاسی یا مذهبی
- هدف تروریسم، شهروندان غیر نظامی
- هدف تروریسم ایجاد رعب و وحشت
- هدف تروریسم ارباب حکومت و جامعه
- فرد یا گروه تروریست، غیر دولتی هستند؛
- اقدام تروریستی اقدامی غیرقانونی بوده.

هیچ یک از این معیارها به لحاظ جهانی به عنوان معیارهایی ضروری یا کافی برای تعریف تروریسم شناخته نشده اند. واژه تروریسم از واژه Terrorisme که در قرن هجدهم در فرانسه مطرح شد، برگرفته شده است. اصل این واژه از فعل های Terrere (به معنای ترساندن) و Deterre (به معنای ترساندن از) در زبان لاتین مشتق شده است. کاربرد معاصر این واژه به سال 1795 برمی گردد که از این واژه برای توصیف اقدامات ژاکوبین ها در فرانسه استفاده می شد. جهان هنوز در توضیح ریشه ها و دلایل تروریسم، سپتامبر، حیران و فاقد زبان مشترکی است.

عده ای بر این نظراند که این، واکنشی است در برابر تحمیل یکجانبه و عجولانه ارزش های دموکراتیک جوامع غربی به جوامع اسلامی. برخی از «ستیز فرهنگ ها» سخن می گویند و اقدامات خشونت باری نظیر این ترورها را نیز حاصل خشم و دشمنی و بعضاً بغض و کین نسبت به ثروت و قدرت و فرهنگ مدرن در جهان اسلام و بویژه در میان عرب ها می دانند و عده ای دیگر عملیات تروریستی یازده سپتامبر را ناشی از ناسازگاری، حقارت و احساس یأس انسان هانی می دانند که در اثر مواجهه با دگرگونی های پرشتاب و بنیادین در راستای مدرنیزاسیون، شاهدند که چگونه ارزش ها و سنت های مقدس شان بی اعتبار می شوند و روند میرانی و زوال را می پیمایند.

بنیادگرانی اسلامی را می توان واکنش قهرآمیز مسلمانان افراطی در مقابله با نفوذ فرهنگ و ارزش های غرب دانست. بنیادگرانی اسلامی، اساساً یک ایدئولوژی جهان سومی است و به همین جهت در کشورهای دموکراتیک و پیشرفته و صنعتی، پایگاهی ندارد. این ایدئولوژی از آغاز قرن بیستم و همزمان با حضور روزافزون کشورهای استعماری غرب در کشورهای مسلمان آشکار شد که در مصر و سوریه بصورت گروه «اخوان المسلمین» و در افغانستان تحت نام جهاد، مقاومت ، طالب و گروه های دیگر تروریستی ظاهر گردید.

مسئله دیگر، مفهوم «شهادت»، در اسلام است که نوعی حقانیت دینی و تاریخی به «شهید» می دهد که طی آن، اگر چه فرد (شهید) از زندگی دنیوی دست می شوید، اما با شهادت خویش به «لقالله» نائل می گردد و در «آن دنیا» جاوید می ماند. این چنین است که بقول «شهید، قلب تاریخ است» یا گفته دیگر «شهید، شمع تاریخ است» ... اعتقاد به «شهادت»، از خودبیگانگی فرد را دامن می زند و در ارتکاب عمل باعث نوعی «بی حسی اخلاقی» می گردد که طی آن، هر عمل و جنایتی «مشروع» می شود. بنیادگرای اسلامی - بصورت جنبشی تمام خواه و ایدئولوژیک چه در حوزه عمل و چه در حوزه عقاید، شباهت های فراوانی با توتالیتراریسم و خصوصاً فاشیسم دارد.

## جهاد چیست؟ وجه معنا میدهد؟؟؟



به نام دین حدین دین راشکستند  
دو بال مرغ آمین را شکستند  
به مذهب و به مردم کینه دارند  
چو چنگیر کیش و آئین راشکستند.

مجاهد کیست؟ ودست آوردهای جهاد چیست؟

مجاهد به خاطر چوکی و پیسه جهاد کرد ، غریب و بیچاره را کشت ، بی پدری مادر ویتیم بیوه وطن  
رامهاجر کرد، این جهاد است؟؟؟ امریکایی ، انگلیس ، جرمنی ، عربی ، پاکستانی و ایرانی و حدود پنجاه  
کشور را در وطن آوردند، این جهاد است؟؟؟ با شوروی پروتوکول کردند ، همراه امریکا پیمان بستند ،  
در عربستان قران خوردند ، از پاکستان فرمان بردند ، از ایران بوجی های دالر گرفتند . شیرپور را چپاول  
نمودند، زمین و دارایی های ملی و شخصی را تاراج کردند ، فرزندان خویش را در غرب فرستادند، آیهامین  
جهاد است؟؟؟ بلدنگ و قصر بنا کردند، رشوت خوردند، زورگویی نمودند، راه گرفتند، موتر شیشه سیاه  
و تعقیبی دارند و چریک ( بچه ) نگاه میدارند و چریک می رقصانند، همین جهاد است؟؟؟

جهاد واژه عربی است و این نام در طول قرن‌ها شامل دو معنی متفاوت بوده است. یکی تند روی بیشتر و دیگری تند روی کمتر. اولی برای باور است که مسلمانان قرآنی را باید کافرانست و واجب القتل. (اینست که میبینیم افغانها- الجزائریها- و مصریها مصروف جنگ و ستیز و کشتار جهاد هستند.) دومین معنی جهاد همانست که صوفیها و درویشان به آن استعان دارند. اینها معنی قانونی و واقعی جهاد را طرد میکنند - از لشکر کشی بیزارند- و از مسلمین میخواهند که از مال و منال این دنیا چشم ببوشند تا رستگار شوند.

جهاد در معنی کشورگشایی آن همیشه از جنبه های اساسی زندگی مسلمانان بوده است. باین دستاویز بود که در سال 632 مسلمانان سرتاسر شبه جزیره عربستان را تحت تسلط داشتند. باین جهت است که مسلمانان یک قرن بعد ازین تاریخ سر زمین وسیعی را که از افغانستان تا اسپانیا امتداد داشت باشغال خود در آورده بودند. پس از آنهم با تحریک و توجیه جهاد بود که سرزمینهای دیگری از قبیل بالکان- هندوستان- سودان- و آسیای صغیر هم بتصرف مسلمین در آمد.

امروز جهاد مهمترین سرچشمه تروریزم بوده و مشوق حرکت‌های خشونت آمیز توسط گروه‌های خود جوش جهادی میباشد. چند نمونه از این گروه‌های جهادپستی اینها هستند:

جبهه اسلامی بین المللی برای جهاد علیه یهودان و صلیبیان .

لشکر جهاد. این یکی مسنول کشتار بیش از ده هزارتن مسیحی اندونزی.

حرکت جهاد اسلامی. پیش قراول خشونت‌های کشمیر.

جهاد اسلامی فلسطینی. درنده ترین گروه تروریستی

جهاد اسلامی مصری. مسنول قتل انور السادات و شمار فزونی از دیگران و...

جنگ و جهاد اسلامی و شرعی در پاکستان ، سربریدن ، شلاق کوبیها، حملات انتحاری و مردم ستیزی .

جهاد و مجاهد و طالب در افغانستان، ویرانی و بربادی، حملات انتحاری و افراطگرایی، قتل و خونریزی، دزدی و چپاولگری، وحشت و دهشت، پول پرستی، کرسی طلبی و چپاول زمین و دارایی ملت ...

تعدادی از اندیشمندان برخلاف سردسته های که از نام جهاد مصروف قتل و ویرانگری اند؛ سه استاد پوهنتون آمریکایی در مورد جنگی نبودن مفهوم جهاد چنین میگویند:

- ابراهیم الرابی استاد الهیات پوهنتون هارتفورد میگوید: جهاد تلاشیست علیه وسوسه های درونی و علیه همه میانی و وسوسه در اجتماع.

- داکتر فرید ایسک استاد الهیات پوهنتون آبرن میگوید: جهاد یعنی مبارزه علیه ستم جنسی اپارتیوید جنسی. جهاد یعنی هواداری از حقوق زنان.

- بروس لارنس استاد الهیات پوهنتون دوک میگوید: جهاد یعنی محصل درس خوانی باش- همکار بهتری باش- شریک بهتری باش. مهمتر از همه اینها برخشم غریزی خودت غلبه کن.

چه خوب میشد اگر روزی جهاد به مرحله ی از تکامل میرسد که تنها خواستش تشویق مسلمین بود برای غلبه برخشم غریزی. بازگشت از بیراهه تروریسم و کشورگشایی و برده داری تنها با همت خود مسلمانان و اذعان آنها بواقعیات تلخ و انکارناپذیر مفهوم تاریخی جهاد امکان پذیر است.

از اینها گذشته مسلمانان همراه با عذرخواهی از قربانیان جهاد دست بساختن یک زیر بنای غیر خشونت آمیز جهاد اسلامی بزنند (که البته این را باید سخت ترین مرحله دانست) و از راه اندازی جهاد قتل و کشتار دست بردارند. متأسفانه چنین حس پشیمانی هنوز بین مسلمانان رسوخ نکرده است: جهاد خشونت بار همچنان و تا آینده ای نامعلوم ادامه خواهد داشت.

**نوت: بهره از منابع خبری، روزنامه ها، رادیو تلویزیون و وبگاه های تحلیلی و تحقیقی و در کتاب همه منابع و ماخذ تذکر گردیده است. ادامه دارد...**